

**The Performance of Social Capital of Women Heads of Households in Earthquake Recovery (Case study of female-headed households living in earthquake-stricken areas of Kermanshah province)**

tayybeh goodarzi <sup>1</sup>  
Parvin, Satar <sup>2</sup>  
Alieh ShekarBeygi, <sup>3</sup>

Received Date: 8 Sep 2021  
Reception Date: 27 Feb 2022

**Abstract**

Social capital considered as a key element in disaster recovery and resilience. However, little attention been paid to the characteristics that support or weaken women's social capital in disasters. The aim of this study was to investigate the performance of social capital forms (transplantation, bridge and transplantation) in the recovery of female-headed households after the earthquake in Kermanshah province. The study population was all female-headed households affected by the earthquake, and 20 of them were purposefully interview in-depth. The sample size was determined by theoretical saturation criteria. Data were analyzed using thematic analysis. Finally, four main themes were extracted in relation to the three forms of social capital in chronological order: "Cooperation and mutual assistance immediately after the earthquake", "Lack of access to relief resources after the arrival of relief aid", "Destruction of communities" And "Accommodation in a temporary camp", "Social inequality in the reconstruction phase". The results of this study indicate that social capital, as a kind of non-institutional social force, facilitates the recovery of earthquake-stricken households. Accordingly, post-disaster recovery depends on the removal of pre-disaster socio-cultural barriers, and in addition to improving the emergency response and long-term resilience to disasters, relief programs must play the role of various forms of social capital at each stage of the disaster. In addition, consider how it is formed with cultural, social, gender, etc. inequalities already existing in societies.

**Keywords:** Social Capital, Women Heads of Household, and Kermanshah Earthquake.

---

<sup>1</sup>Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup>Department of Social Work, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. Corresponding Author [sparvin1359@gmail.com](mailto:sparvin1359@gmail.com)

<sup>3</sup>Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<https://dx.doi.org/10.30510/PSI.2022.303824.2276>

## عملکرد سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار در بهبودی از زلزله (مورد مطالعه زنان سرپرست خانوار ساکن در مناطق زلزله زده استان کرمانشاه)

طیبه گودرزی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۷/۶/۱۴۰۰

ستار پروین<sup>۲\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۸/۱۲/۱۴۰۰

عالیه شکرپیگی<sup>۳</sup>

### چکیده

سرمایه اجتماعی به عنوان عنصر اصلی در بهبود و مقاومت در بلایا در نظر گرفته می شود. با این حال، به ویژگی هایی که سرمایه اجتماعی زنان را در بلایا پشتیبانی یا تضعیف می کند، توجه چندانی نشده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عملکرد اشکال سرمایه اجتماعی (پیوند، پل و پیوند) در بهبودی زنان سرپرست خانوار پس از زلزله استان کرمانشاه انجام شد. جامعه مورد مطالعه کلیه زنان سرپرست خانوار آسیب دیده در زلزله بودند که به صورت هدفمند با ۲۰ نفر از آنها مصاحبه عمیق فردی انجام گرفت. حجم نمونه با معیار اشباع نظری تعیین شد. داده ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک (مضمون) تجزیه و تحلیل شدند. در نهایت ۴ مضمون اصلی در رابطه با سه شکل سرمایه اجتماعی به ترتیب زمانی استخراج شد که عبارتند از: «همکاری و همیاری متقابل بلافاصله پس از وقوع زلزله»، «عدم دسترسی به منابع امدادی پس از ورود کمک های امدادی»، «تخریب اجتماعات و اسکان در اردوگاه موقت»، «نابرابری اجتماعی در مرحله بازسازی». نتایج این مطالعه حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی، به عنوان نوعی نیروی اجتماعی غیر نهادینه، بهبود خانوارهای زلزله زده از فاجعه را تسهیل می کند. بر این اساس، بهبود پس از فاجعه منوط به حذف موانع فرهنگی-اجتماعی ماقبل حوادث است و علاوه بر آن برای بهبود واکنش اضطراری و ایجاد انعطاف پذیری درازمدت در برابر بلایا، برنامه های امداد رسانی باید نقش اشکال مختلف سرمایه اجتماعی را در هر مرحله از فاجعه و نحوه شکل گیری آن را با نابرابری های فرهنگی، اجتماعی، جنسیتی و... از قبل موجود در جوامع در نظر بگیرند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، زلزله کرمانشاه.

<sup>۱</sup> گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، نویسنده مسوول، sparvin1359@gmail.com

<sup>۳</sup> گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایران از جمله کشورهایی است که مرتباً با بلایا روبرو می‌شود و صدمات شدید و جبران ناپذیری را ایجاد می‌کند. دامنه پیامدهای منفی ناشی از بلایا می‌تواند به طور بالقوه رفاه عمومی جامعه را حتی برای مدت زمان طولانی تضعیف کند و چنین تأثیراتی معمولاً از توانایی جوامع یا جامعه آسیب دیده برای مقابله پیامدهای آن فراتر می‌رود (مایلر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). «فاجعه به عنوان اختلال اساسی در نظام اجتماعی تعریف می‌شود» (نیو مایر و پلمبر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). بهبودی از فاجعه از دشواری‌هایی است که دولت‌ها و قربانیان با آن روبرو می‌شوند. پس از فاجعه، دولت‌ها در همه سطوح معمولاً نقش اصلی را در بازیابی پس از فاجعه ایفا می‌کنند، بلافاصله مقدار زیادی از منابع مادی و اجتماعی برای فعالیت‌های امدادرسانی در برابر بلایای طبیعی را بسیج می‌کنند. با این حال، بزرگی فاجعه و حجم تخریب در مناطق فاجعه زده، غالباً منجر به عدم موفقیت موقت عملکرد رسمی سیستم نهادی می‌شوند. در این شرایط، یکی از عواملی که می‌تواند در کاهش آسیب ناشی از حوادث طبیعی مانند زلزله نقش داشته باشد حمایت اجتماعی<sup>۶</sup> است که فرد آسیب‌دیده ادراک می‌کند. در علم جامعه‌شناسی، حمایت اجتماعی بیشتر تحت عنوان سرمایه اجتماعی<sup>۷</sup> مطرح می‌شود. سرمایه اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی و دارایی اجتماعی مطرح است که در بلندمدت انباشته می‌شود و کارایی فردی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می‌بخشد و نیز ظرفیت‌های افراد گروه‌ها را برای دستیابی به اهداف آسان می‌کند (کن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی قسمت مهمی از بازسازی پس از فاجعه است و همچنین تأثیر مثبتی در بازسازی پس از فاجعه دارد. با اینکه محققان نقش مثبت و منفی سرمایه اجتماعی در کار بازسازی پس از فاجعه را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده‌اند، اما سرمایه اجتماعی در حالی که می‌تواند یک منبع مفید باشد، به یک اندازه در دسترس همه مردم نیست و موجب تقویت نابرابری اجتماعی می‌شود (آلد ریچ، ۲۰۱۱)، (گاناپاتی، ۲۰۱۲). از نظر محققان نابرابری اجتماعی در دوران بهبودی نیز ادامه می‌یابد و ممکن است برخی از گروه‌ها را از روند دریافت کمک‌های امدادی محروم و روند بهبودی آنها را کندتر کند (توری<sup>۹</sup>، ۱۹۸۶). یکی از گروه‌های به شدت آسیب‌پذیر اجتماعی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، زنان سرپرست خانوارند<sup>۱۰</sup> که با وجود افزایش در تعداد آنها، اغلب در حاشیه قرار دارند. بلایا علاوه بر افزایش زنان سرپرست خانوار و این واقعیت که بیشتر ساکنان پناهگاه‌ها زنان هستند، آسیب‌پذیری زنان را افزایش می‌دهد. براساس اعلام سازمان بهزیستی در مناطق زلزله زده استان کرمانشاه، تا قبل از وقوع زلزله ۷/۳ ریشتری آبان ماه (۱۳۹۶)، ۹۶۰ زن سرپرست خانوار بودند که عواملی نظیر فوت همسر، اعتیاد و طلاق در آن دخیل‌اند. با وقوع زلزله ۱۷۸ زن، همسر و سرپرست خود را از دست دادند و این تعداد به ۱۰۳۸ زن سرپرست خانوار افزایش یافت (خبرگزاری ایرنا). زن بودن و سرپرست خانوار بودن ممکن است آسیب‌پذیری خاصی ایجاد نکند، اما متأسفانه وقوع زلزله در کنار

<sup>4</sup> Miller

<sup>5</sup> Neumayer&plumper

<sup>6</sup> - social support

<sup>7</sup> - social capital

<sup>8</sup> - Khanh

<sup>9</sup> Torry

<sup>10</sup> Female-headed households

زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خاص منطقه، زنان سرپرست خانوار را به دلیل فقدان توانمندی‌های لازم در معرض خطر و آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. در واقع مسئله اساسی زنان در هنگام بلایا این است در مقایسه با مردان دسترسی کمتری به منابع دارند، آنها قدرت شبکه‌های اجتماعی بزرگ را ندارند، در تصمیم‌گیری‌های اساسی، شرکت داده نمی‌شوند. در این میان روابط اجتماعی با اقوام، دوستان و همسایگان نقش مهمی در زندگی اجتماعی افراد ایفا می‌کند. شبکه‌های اجتماعی غیررسمی می‌توانند منابع پشتیبانی اجتماعی از افراد را فراهم کنند. با این حال، درک جامعی از عملکرد سرمایه اجتماعی در بهبود پس از فاجعه بدون تجزیه و تحلیل متمرکز بر نابرابری‌های اجتماعی و تأثیر آنها در نحوه دسترسی و استفاده مردم از سرمایه اجتماعی پس از یک واقعه خطرناک، حاصل نمی‌شود. از طرفی به ویژگی‌هایی که سرمایه اجتماعی زنان را در بلایا تقویت یا تضعیف می‌کند، توجه چندانی نشده است و به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های کیفی می‌تواند در روشن‌شدن بخش‌هایی از زوایای پنهان زندگی این زنان بخصوص بعد از وقوع بلایای طبیعی کمک کند. بر این اساس، با استفاده از مطالعه کیفی (پدیدارشناسی) به بررسی نحوه عملکرد اشکال مختلف سرمایه اجتماعی (پیوند، پل زدن و پیوند دادن) در طول مراحل زمانی پس از زلزله ۱۳۹۶ کرمانشاه می‌پردازیم و در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که عملکرد سرمایه اجتماعی در حمایت یا تضعیف مقاومت زنان در برابر فاجعه به چه صورت بوده است؟ یا چگونه اشکال مختلف سرمایه اجتماعی در طی مراحل مختلف زمانی پس از زلزله در بهبود زنان سرپرست خانوار عمل کرده است؟

### مبانی نظری

سرمایه اجتماعی از جدیدترین مفاهیم علوم اجتماعی است که به عنوان پلی میان رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی و سیاست زمینه‌ساز مطالعات بین‌رشته‌ای متعددی شده است. این مفهوم برای اولین بار توسط جیمز کلمن (۲۰۰۲) در جامعه‌شناسی، رابرت پاتنام (۲۰۰۰) در علوم سیاسی و سایر حوزه‌های علمی به طور وسیعی مورد توجه قرار گرفت. در مباحث سرمایه اجتماعی مواردی از قبیل مشارکت و همکاری محلی بین افراد و گروه‌ها (خانواده، دوستان، هم‌محله‌ای‌ها و...)، اعتماد محلی، توسعه شبکه‌ای و میزان پذیرش تصمیمات نهادی در جامعه اهمیت زیادی دارند که می‌توانند توانایی جوامع را در مدیریت سانحه و کاهش اثرات ناگوار سوانح طبیعی بهبود بخشند (ویرگان و کرنز، ۲۰۱۰). رابرت پاتنام (۲۰۰۰) برجسته‌ترین مدافع این رویکرد سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی‌هایی که اقدامات سازمانهای اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را تسهیل می‌کند و مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند، توصیف می‌کند. از نظر وی افراد خانواده، دوستان و همکاران دارای‌های مهمی هستند که می‌توان در بحران از حمایت آنها بهره‌مند شد. اختلاف نظر زیادی در مورد معنای واقعی سرمایه اجتماعی و تأثیرات آن بر جوامع وجود دارد. بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را به عنوان روابط اجتماعی و توانایی بازیگران (افراد، گروه‌ها یا جوامع) برای استفاده از این روابط برای دستیابی به منابع مالی، عاطفی، جسمی یا سایر منابع در برابر ظلم تاریخی و محدودیت منابع اقتصادی، مفهوم‌سازی می‌کند در حالی که پاتنام (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را از نظر ارزش‌های جمعی و ادغام اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کند.

از دیدگاه رویکرد مدیریت فاجعه، شبکه‌های اجتماعی با تصمیم‌گیری غیر متمرکز و استفاده از اعتماد و هنجاری متقابل، می‌توانند منجر به واکنش‌های موثرتر در برابر بلایا شوند. از گذشته تا کنون از سرمایه اجتماعی برای درک بهتر نحوه استفاده جوامع در معرض خطر از منابع موجود برای رفع نیازهای فوری در فاجعه استفاده شده است.

از نظر باکلند و رحمان<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۹) جوامعی که دارای سطوح بالاتری از سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی هستند

آمادگی بهتر و موثرتری برای مقابله با فاجعه دارند. سرمایه فیزیکی شامل دارایی‌هایی ملموس مانند تجهیزات جستجو و نجات در بلایا، فناوری اطلاعات و منابع پولی که می‌تواند از جوامع در معرض خطر حمایت کند، است در حالی که سرمایه انسانی مربوط به کیفیت نیروی انسانی شامل سطح مهارت، وضعیت سلامت و تحصیلات آنها است، سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای منسجم از هنجارها، روابط، تعهدات و ارزش‌های مادی و معنوی یک جامعه است که از طریق مؤلفه‌هایی همانند اعتماد، صداقت، تعهد، مشارکت، تلاش مستمر و از همه مهم‌تر عدالت، قابل شناسایی و ارزیابی است. (به نقل از بخت بنداری<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۴)

از نظر دینس (۲۰۰۶) شبکه‌های اجتماعی در مواجهه با وضعیت اضطراری به عنوان یک منبع فعال و انعطاف پذیر عمل می‌کنند و می‌توانند بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی-اجتماعی جنسیت یا قومیت، برای همه افراد قابل دسترس باشد. آلدریچ و مایر (۲۰۱۲) برای درک بهتر ماهیت و کیفیت سرمایه اجتماعی، آن را به سه نوع پیوند، پل و پیوند تقسیم بندی کردند. پیوند سرمایه اجتماعی به روابط افقی بین اعضای یک شبکه اشاره دارد که از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی مشابه هستند یا از یک قومیت یکسان هستند (پاتنام، ۲۰۰۰). از آنجا که گروه‌ها از درجه همگنی نسبتاً بالایی برخوردارند، این پیوندها برای تسهیل نجات فوری و بهبود سریع اعضای گروه در حوادث موثر می‌باشد (آلدریچ، ۲۰۱۲). سرمایه اجتماعی از نوع پل (ارتباط دهنده) اشاره به ارتباطات بین افرادی دارد که لزوماً از اعضا خانواده، بستگان یا خویشاوندان نیستند، اما از لحاظ مالی و موقعیت اجتماعی مشابه هستند (پانندی و همکاران، ۲۰۲۱). این نوع سرمایه اجتماعی فرصت‌ها و اطلاعات را برای به دست آوردن منابع و کمک‌های جدید و بهبود طولانی مدت جوامع در شرایط فاجعه مناسب است، فراهم می‌کند (آلدریچ، ۲۰۱۲). پیوند سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای عمودی با نهادهای رسمی، و منابع رسمی قدرت است، در این مرحله ارتباطات اجتماعی از نوع عمودی است و ارتباط افراد جامعه را با دولت و سایر سازمان‌ها (از جمله موسسات مالی، سازمانهای داوطلبانه و غیره) ممکن می‌سازد تا از منابع خارجی برای کاهش اثرات فاجعه مدد بگیرند. بنابراین، در مباحث سرمایه اجتماعی مواردی از قبیل مشارکت و همکاری محلی بین افراد و گروه‌ها، اعتماد محلی، توسعه شبکه‌های و میزان پذیرش تصمیمات نهادی در جامعه اهمیت زیادی دارند که می‌توانند، توانایی جوامع محلی را در مدیریت سانحه و کاهش اثرات ناگوار سوانح طبیعی بهبود بخشند. با توجه به وقوع فزاینده بلایای طبیعی محققان سرمایه اجتماعی

<sup>12</sup> Buckland&Rahman

<sup>13</sup>Bhakta Bhandari

را به عنوان مهمترین ابزار کاهش تاثیرات بلایا شناسایی کرده اند، که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

مطالعه ناکاگاوا (2004) نشان داد که سرمایه اجتماعی یکی از موثرترین عناصر در افزایش اقدامات جمعی و بهبودی در بلایا است.

نتیجه مطالعه آلدریچ<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۴) نشان می دهد سرمایه اجتماعی مهمترین عامل بهبودی پس از فاجعه است که موانع اقدام جمعی را کاهش می دهد و باعث تسریع روند بهبودی و ارتباط آنها با سازمان های امدادی می شود، اما در عین حال موانع بهبودی زنان و گروه های حاشیه ای را تقویت می کند.

نتیجه مطالعه گاناپتی<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۳) نشان می دهد که سرمایه اجتماعی علی رغم مزایایی که به همراه دارد، به تداوم مفروضات مبتنی بر نابرابری جنسیتی کمک می کند و زنان را به حاشیه می راند.

نتیجه مطالعه کمال و حسن<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۸) نشان می دهد که سرمایه اجتماعی نقش اساسی ای در روند بهبودی فرد و جامعه ایفا می کند و همچنین برخی از ویژگی های ساختار اجتماعی و سلسله مراتب طبقاتی - راه را برای سواستفاده از منابع امداد و توان بخشی در بلایا توسط نخبگان محلی و هدایت به خانواده های کمتر آسیب دیده هموار می کند که این امر منجر به فرسایش پل ارتباطی اجتماعی جوامع می شود.

نتیجه مطالعه پاندی و همکاران ۲۰۱۸ نشان می دهد که : نابرابری های اجتماعی-فرهنگی، نابرابری های جنسیتی و دوردست بودن، سرمایه اجتماعی جوامع و مقاومت آنها در برابر زلزله را بیشتر تضعیف می کند.

مطالعات مربوط به تاب آوری در برابر بلایا نقش گسترده اشکال سرمایه اجتماعی را به طور گسترده نشان داده است.

نتیجه مطالعه نگوین-ترانگ و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۲۰) نشان می دهد اگر چه پیوند سرمایه اجتماعی در کل مراحل بازسازی نقشی اساسی دارد، اما پل ارتباطی سرمایه اجتماعی فقط وقتی اهمیت می یابد که بهبودی طولانی مدت حاصل شود علاوه بر آن نوع حمایت دریافت شده تحت تأثیر طبقه اجتماعی و قومیت سرپرست خانوار قرار می گیرد.

نتیجه مطالعه هاوکینز و ماورر<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۰) نشان می دهد پیوند سرمایه اجتماعی (پیوند بین خویشاوندان و همسایگان) رشد فرد و جامعه را به دنبال یک واقعه فاجعه بار تقویت می کند یا مانع می شود.

نتیجه مطالعه ایرا<sup>۱۹</sup> (۲۰۲۱) نشان می دهد که اشکال سرمایه اجتماعی در سطح خانوادگی برای بازسازی و تاب آوری بلایا عنصر مرکزی است و می تواند کمک های فوری مانند تهیه وسایل، سرپناه و سایر انواع کمک ها را ارائه دهد و روند بهبودی از فاجعه را سریعتر کند.

مطالعات چملی رایت و استور<sup>۲۰</sup> (2011) نشان داد: پیوند سرمایه اجتماعی روند بهبودی ساکنان را تسهیل می کند و باعث می شود افراد با موقعیت اجتماعی بالا امتیازات و منابع بیشتری را کسب کنند.

<sup>14</sup> Aldrich

<sup>15</sup> Ganapati

<sup>16</sup> Kamal& Hassan

<sup>17</sup> Nguyen-Trung, et.al

<sup>18</sup> Hawkins& Maurer

<sup>19</sup> Era

<sup>20</sup> Chamlee-Wright.E, Storr.

این مطالعات نشان می‌دهند که شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی ابزار مهمی برای مقابله با فاجعه است و پیامدهای نامطلوب ناشی از بلایا را کاهش می‌دهد. اما آنچه که مشخص است، در فاجعه تعداد بیشتری از زنان در مقایسه با مردان جان خود را از دست می‌دهند، آسیب پذیری بیشتری دارند (نیومایر و پلمپر<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۷)، در دسترسی به مکانیسم‌های امداد و بازایی پس از حوادث محدودیت دارند و روند بهبودی آنها در فاجعه کندتر است (مورو و انارسون<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۶). بر همین اساس نتیجه مطالعه عملکرد سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار در فاجعه به مدیران و سیاستگذاران اجتماعی کمک می‌کند تا نسبت به رفع موانع بسیج شبکه‌های اجتماعی در بحران اقدام کنند و موجبات بهبودی سریع‌تر آنها را فراهم آورد.

### روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر به صورت کیفی است که به منظور بررسی عملکرد سرمایه اجتماعی در بهبودی زنان سرپرست از استراتژی پدیدارشناسی استفاده شده است. پدیدارشناسی برای تجربیات خاص افراد به‌عنوان یک منبع اعتباری دانش، ارزش قائل بوده و برای نیل به تجربه ذهنی مشارکت‌کنندگان مناسب است. جامعه مورد مطالعه، کلیه زنان و دختران سرپرست خانوار شهرستان‌های زلزله زده استان کرمانشاه (سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، و قصرشیرین) بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود؛ زنان مورد مطالعه بر اساس دو معیار انتخاب شدند: ۱- تناسب بین تجربه آنها و هدف تحقیق که تناسب تجربه نامیده می‌شود. بر این اساس زنانی که تجربه زلزله کرمانشاه را داشته‌اند، به‌عنوان نمونه هدف مشخص شدند؛ ۲- داشتن ویژگی‌های یک فرد مطلع و آگاه در خصوص موضوع مورد بررسی که از آن به‌عنوان کیفیت شخصی مشارکت‌کننده یا مطلع کلیدی تعبیر می‌شود.

حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین شد. «مهم‌ترین نکته در حجم نمونه این است که مشارکت‌کنندگان باید افرادی باشند که همگی پدیده مورد بررسی را تجربه کرده و بتوانند تجربه زیسته‌شان را بیان و تشریح کنند» (کراسول، ۱۹۹۶) بر این اساس، بعد از مصاحبه ۲۰ نفر با زنان، به تحلیل داده‌ها پرداختیم. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق فردی گردآوری شدند. فرم مصاحبه‌ها به دو صورت بود: سوالات اصلی نحوه عملکرد سرمایه اجتماعی را در بین زنان بررسی کردند؛ سوالات فرعی که دنباله سوالات اصلی را پیگیری می‌کردند و بر تجارب خاص و منحصر زنان استوار بودند؛ برای مثال، موقعی که به کمک‌های امدادی دسترسی پیدا نکردی چکار کردی؟ میشه مثال بزنی؟

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه عمیق است. مصاحبه‌ها با توجه به ملاحظات اخلاقی و تمام شرایط استاندارد، مانند تعیین مکان، زمان و محدودیت مصاحبه، همه مصاحبه‌ها پس از کسب اجازه شرکت‌کنندگان بدون نام صورت گرفت. میانگین تقریبی مصاحبه‌ها ۴۵ دقیقه بود.

برای تحلیل پدیدارشناسی داده‌ها از تحلیل تماتیک (مضمون) به‌عنوان روش پژوهش برای تفسیر تجربه شرکت‌کنندگان در مورد سرمایه اجتماعی استفاده شد. در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی تحلیل مضمون یا تماتیک (طبقه‌بندی و

<sup>21</sup> Neumayer&plumper

<sup>22</sup> Morrow& Enarson

شاخص بندی و سنخ بندی) از اهمیت زیادی برخوردار است. اکثر محققان کیفی معتقدند که تحلیل تماتیک روش بسیار مفیدی برای کسب ساختار معنا در مجموعه‌ای از داده‌ها است. تحلیل تماتیک علاوه بر کاربرد گسترده در دیگر روشهای کیفی در پدیدارشناسی نیز کاربرد دارد که بر روی تجربه ذهنی انسانها تأکید می‌کند. در این رویکرد تأکید بر ادراک شرکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آنها از موضوع مورد مطالعه است (گاست<sup>۲۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). مراحل تحلیل تماتیک شامل شش مرحله نزدیک شدن به داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی تمها، مرور و بازبینی تمها، تعریف و نامگذاری تمها و تهیه گزارش است.

برای سنجش اعتبار و پایایی این تحقیق از معیار چهارگانه گوبا و لینکلن<sup>۲۴</sup> (۱۹۸۵) استفاده شده است. شود جهت تضمین قابلیت اعتماد، با همکاری پژوهشگران این مطالعه، متن مصاحبه کدگذاری شد. برای قابلیت انتقال داده‌ها سعی شد مشارکت‌کنندگان با حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مانند وضعیت تاهل و با دامنه سنی ۲۰ تا ۶۵ سال انتخاب شوند، در راستای انجام این مهم سعی شد نمونه مورد مطالعه با حداکثر تنوع از شهرستانهای زلزله زده استان کرمانشاه (سرپل‌ذهاب، گیلانغرب، قصرشیرین) انتخاب شوند.



مضامین فرعی	مضامین اصلی	درون مایه اصلی
تهیه آب و مواد غذایی، همدلی و مراقبت از یکدیگر، حس مسئولیت‌پذیری جمعی، آواربرداری و نجات وسایل، تهیه سرپناه موقت، حمایت از منازل همدیگر در مقابل سارقان، همدردی و همدلی	همکاری و همیاری متقابل بلافاصله پس از وقوع زلزله (بسیج اشکال سرمایه اجتماعی)	
عدم دسترسی به منابع امدادی، نقش های اجتماعی، غارت منابع امدادی	حذف گروه‌های حاشیه ای پس از ورود کمک های امداد رسانی (پیوند ضعیف اشکال سرمایه اجتماعی)	
اسکان نامناسب، هرج و مرج و از بین رفتن شبکه های حمایتی، افزایش مهاجرت	استقرار در اردوگاه (تخریب اشکال سرمایه اجتماعی)	
شیوه های نامناسب ثبت نام و توزیع اقلام امدادی، سوگیری امدادگران، عدم ارتباط با مقامات دولتی، عدم تبادل نیروی کار رایگان	تقویت نابرابری اجتماعی در مرحله بازسازی (سوگیری اشکال سرمایه اجتماعی)	

در پژوهش حاضر، ۱۵ نفر از زنان و دختران سرپرست خانوار مورد بررسی قرار گرفتند. سن شرکت-کنندگان معمولاً مابین حداقل ۲۰ سالگی و حداکثر ۶۵ سالگی با میانگین تقریبی ۴۰ سال بود. به جز تعداد معدودی که شغل دولتی داشتند، اکثرشان دارای مشاغل غیررسمی یا خانه دار بودند. بر اساس سطح تحصیلات ۴ نفر شرکت کنندگان در مصاحبه بیسواد ۳ نفر ابتدایی ۷ نفر دیپلم، ۱ نفر فوق دیپلم و ۲ نفر نیز لیسانس و متوسط تعداد افراد تحت تکفل شرکت کنندگان ۳ نفر بودند.

یافته های ما در رابطه با سه شکل سرمایه اجتماعی (پیوند، پل و پیوند) به ترتیب زمانی در پاسخ به فاجعه شناسایی شد که عبارتند از: ۱) همکاری و همیاری متقابل بلافاصله پس از وقوع زلزله (بسیج اشکال سرمایه اجتماعی). ۲) حذف گروههای حاشیه ای پس از ورود کمک های امداد رسانی (پیوند ضعیف اشکال سرمایه اجتماعی). ۳) استقرار در اردوگاه (تخریب اشکال سرمایه اجتماعی) و ۴) تقویت نابرابری اجتماعی در مرحله بازسازی (سوگیری اشکال سرمایه اجتماعی). در ادامه به توضیح و تشریح آنها اشاره می شود.

#### جدول شماره ۱- مضامین اصلی و فرعی عملکرد سرمایه اجتماعی در زلزله

۱) همکاری و همیاری متقابل بلافاصله پس از وقوع زلزله (بسیج اشکال سرمایه اجتماعی)  
 زلزله آبان ماه ۱۳۹۶ استان کرمانشاه موجب تلفات انسانی، تخریب گسترده زیر ساخت ها و منازل مسکونی، آوارگی و از بین رفتن منابع غذایی ساکنان آن شد. بنابراین بسیاری از شرکت کنندگان تجارب مشابهی را از تامین نیازهای اساسی برای بقا تا روزها و هفته های اولیه پس از زلزله به اشتراک گذاشتند:  
 « وحشت زده شدیم .. انگار قیامت بود. وقتی به خودمان آمدیم متوجه شدیم که همه خانه ها خراب شدن... نگرانی ما این بود که چه بلایی بدون سرپناه، آب و غذا سرمون میاد؟ چون چیزی برای خوردن، آشامیدن یا پوشیدن نداشتیم. حتی سرپناهی هم نداشتیم تا یک هفته پس از تخریب منازل را در پارک در سرما گذرانیدیم» (شرکت کننده ۵).

روابط پیوندی از قبل موجود (خویشاوندی و همسایگی) برای نجات جان افراد بسیار مهم بود، زیرا افراد این روابط را برای حمایت متقابل از یکدیگر بسیج می کردند. به دلیل بافت سنتی شهرستان سرپلذهاب خانواده های گسترده به عنوان یک شبکه حمایتی در نظر گرفته می شوند، زیرا زنان سرپرست خانوار در انزوا زندگی نمی کنند و در مواقع بحرانی از کمک و حمایت خانواده گسترده بهره می برند.

«در ماههای اول پس از زلزله برخی از اقوام که در شهرهای دیگه بودند بهمون سر می زدند و لباس، پتو، مواد خوراکی، بهداشتی و .... را می آوردن و ما را به خانه شان برای استراحت و حمام دعوت می کردند» (شرکت کننده ۲).

مردم همچنین سعی کردند پس از زلزله از یکدیگر دلجویی کنند و از حمایت عاطفی برخوردار شوند:

«فامیل‌ها خودشان مصیبت دیده بودند توانایی اینکه به ما کمک کنند را ندارند اما خوب همیشه به همدیگر سر میزدیم جویای حال همدیگر می شدیم و همدیگر را دلداری میدادیم... همه ما وحشت زده بودیم. انگار که قیامت بود» (شرکت کننده ۷)

مصاحبه شونده‌گان اظهار داشتند که: چگونه روابط پیوندی برخی از وسایل مقابله فوری با از دست دادن افراد خانواده را فراهم می کند:

«ما به همدیگر کمک می کردیم و برای افراد خانواده خود و فامیل هایی که اعضای خانواده خود را از دست داده بودند، غذا می پختیم و با آنها همدردی می کردیم» (شرکت کننده ۴).

حضور خانواده، دوستان و همسایگان که می توان به آنها اعتماد کرد، نقش مهمی در ایجاد امنیت بسیاری از زنان در اردوگاه داشته است.

«در زلزله همسرم را از دست داده ام... برادرم و خواهر زاده هام روز بعد از زلزله خودشان را به ما رساندند و گذاشتند که اموالم به سرقت برود» (شرکت کننده ۹).

روابط پل زدن نیز مهم بود. روابط متقابل باعث کاهش موانع اقدام جمعی در بین اعضای جامعه شده و به ساکنان کمک می کند تا با اختلافات اقتصادی-اجتماعی و جستجو و نجات سریع تر عمل کنند. شرکت کنندگان اظهار داشتند که چگونه مردان و زنان از خانواده های مختلف برای ساختن سرپناه موقت با یکدیگر کار می کنند و تا زمان رسیدن مواد امدادی در گروه های عمومی، معمولاً در فضای باز یا زیر نایلون/چادر زندگی می کردند.

«هیچ کس خانه ای نداشت، و چند خانوار زیر یک چادر زندگی می کردیم. با هم غذا و آب آشامیدنی تهیه می کردیم و نمی گذاشتیم اموالمان به غارت برود» (شرکت کننده ۱۵).

«روزهای بعد از زلزله با کمک خویشاوندان و همسایه ها وسایل را نجات دادیم و با استفاده از مصالح اولیه مثل چوب، نی، نایلون... سرپناه درست کردیم تا از سرما و دید دیگران در امان باشیم» (شرکت کننده ۶).

تا یک هفته پس از زلزله برق قطع بود، مدارک و کارتهای اعتباری مون هم زیر آوار مانده بود، اوضاع نامشخص بود، جاده ها مسدود و بازار تعطیل بود. هرچی داشتیم و نداشتیم با همدیگر تقسیم می کردیم. اگه کمکی از دست کسی بر می آمد دریغ نمی کرد... یکی برنج می آورد، یکی نان می پخت و...» (شرکت کننده ۱۲).

پیوند سرمایه اجتماعی بلافاصله پس از زلزله مشهود بود، افراد در گروه های خویشاوندی و خانوادگی با تفاوت های اقتصادی-اجتماعی در بسیج و دسترسی به منابع مادی به همدیگر کمک می کردند با این حال، رویکردهای حمایت اجتماعی پس از ورود کمک های امدادی و اسکان آوارگان در اردوگاه از بین رفت.

۲) حذف گروههای حاشیه ای پس از ورود کمک های امداد رسانی (پیوند ضعیف اشکال سرمایه اجتماعی)

در زمانهای فاجعه، واکنش‌های و کارکردهای نهادهای اجتماعی برای پاسخگویی به نیازها کافی نیستند و افراد به شیوه‌ها و اقدامات شخصی و سلیقه‌ای برای رفع نیازهای خود روی می‌آورند و در آن رقابت صریح و خشنی بر سر دسترسی به منابع کمیاب وجود دارد. این رقابت سبب ناهماهنگی و مهمتر از همه، فاصله اجتماعی می‌شود. (عنبری، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

شرکت کنندگان اظهار داشتند هنگامی که کمک‌ها از سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های دولتی می‌رسید، همکاری متقابل میان مردم که بلافاصله پس از زلزله ایجاد شده بود، متوقف شد. مردم برای کسب مواد کمکی از قبیل چادر، پتو و لباس با هم رقابت می‌کردند و اقلام امدادی نرسیده به ورودی شهر غارت می‌شد. کسانی که روابط پیوند قوی تری با متنفذین محلی داشتند (غالباً خانواده‌های دارای سرپرست مرد، معلمین و کارمندان دولت) با سهولت بیشتری به منابع محدود امدادی دسترسی پیدا کردند، در حالی که کسانی که سرمایه اجتماعی کمتری داشتند از روند دریافت اقلام امدادی خارج شدند و همه برای دسترسی به منابع محدود رقابت می‌کردند و در واقع هرج و مرج بر روند توزیع کالاها حاکم بود: "توزیع ناعادلانه کمک‌های امدادی" توصیف متداول روند تحویل کمک بود. بسیاری از شرکت کنندگان تأکید کردند که کمک‌ها غالباً برای کسب منافع شخصی، دخل و تصرف می‌شدند. دسترسی به کمک‌ها مبتنی بر روابط شخصی با توزیع کنندگان بود، کسانی که دارای بیشترین ارتباطات بودند، سهم بیشتری از کمک‌های امدادی دریافت کمک می‌کردند. احساس بی‌اعتمادی به سازمان‌های امدادی و برخی از معتمدین محلی برای زنان سرپرست خانوار تقویت شد. در طی این روند برخی از شرکت‌کنندگان شاهد دستکاری سرمایه اجتماعی توسط امدادگران و معتمدین محل بودند.

«عده‌ای در محل دست به غارت و چپاول و دزدی زدند و به جای تقسیم کمک‌های مردمی به صورت عادلانه در بین خود و همسایه‌ها، آن را مخفی کرده و چادر روی آن کشیدند» (شرکت کننده ۷).

«کمک‌هایی که خیرین برای مردم فرستادن به کسی ندادن همه رو خودشون انبار کردن یا به آشناهای خودشون دادن ... از اون همه وسیله یه قوطی کنسرو به من دادن» (شرکت کننده ۱۲)

«برخی از خانواده‌ها حتی خونه اش هم آسیب ندیده بود و گاهی ۵ یا ۶ تا چادر تحویل گرفته بود ولی به ما نرسید و مجبور بودیم تا چند شب تو فضای باز و سرما بخوابیم» (شرکت کننده ۱۴).

در زمان فاجعه، واکنش و کارکرد نهادهای اجتماعی برای پاسخگویی به نیازها کافی نیست و افراد به شیوه‌ها و اقدامات شخصی و سلیقه‌ای برای رفع نیازهای خود اقدام می‌کنند و رقابت صریح و خشنی بر سر دسترسی به منابع کمیاب وجود دارد که سبب ناهماهنگی و مهمتر از همه، فاصله اجتماعی می‌شود (عنبری، ۱۳۹۳: ۱۳۸)

«نیروهای انتظامی سعی می‌کردند مردم رو کنترل کنند تا کمکها به صورت عادلانه توزیع بشن اما هجوم جمعیت اونقدر زیاد بود که نتونستن مانع غارت کامیونها بشن» (شرکت کننده ۱۰).

«کسانی که می‌توانستند از کامیون بالا برن، اقلام امدادی را غارت می‌کردن، در هجوم جمعیت مردم رو هم می‌افتادند من به شدت زخمی شدم و کارم به بستری در بیمارستان کشید» (شرکت کننده ۵).

زنان و افراد مسن اغلب نمی‌توانند با مردان برای به دست آوردن منابع رقابت کنند. زنانی که از حمایت اجتماعی کمتری برخوردار بودند، موفقیت کمی در بدست آوردن منابع داشتند.

«هموطنان کمک‌های زیادی را برای ما ارسال کردند، مردم از شهرهای دیگه برای غارت کمک‌های امدادی می‌آمدن، هر کس یه چادر زده بود.. معلوم نبود کی مستحقه؟ کی نیست؟ نمی‌تونستم تو شلوغی برم و ممکن بود زیر دست و پا بمانم» (شرکت کننده ۴).

زنان سرپرست خانوار نیز اغلب از روابط پیوندی با نهادهای دولتی یا غیردولتی برخوردار نبودند و در نتیجه نمی‌توانستند برای تأمین اقلام امدادی اقدام کنند.

آن دسته از همسایگان که با سازمانهای دولتی ارتباط داشتند، به راحتی توانستند به وام، چادر، پتو و مواد غذایی و مصالح ساختمانی دسترسی داشته باشند.

« پس از زلزله، کسی را نداشتم که کمک کنه. آخرین نفری بودم که چادر گرفتم» (شرکت کننده ۱۳)

یافته‌ها نشان می‌دهند: کسانی که از قبل ارتباط پیوندی با نهادهای دولتی یا غیر دولتی داشته‌اند، عمدتاً به دلیل حضور مردان بزرگسال در خانواده، بیشتر از زنان سرپرست خانوار از منابع امدادی بهره‌مند می‌شدند که منعکس‌کننده نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از قبل موجود در مناطق زلزله زده است.

۳) استقرار در اردوگاه (تخریب اشکال سرمایه اجتماعی)

پس از زلزله به دلیل تخریب ساختار اجتماعی پیشین و اسکان در محل جدید اجتماعات محلی و سرمایه‌های اجتماعی را از بین می‌برد و افراد را بدون ملاحظه شرایط فرهنگی و اجتماعی در یک مکان جمع می‌کند، در چنین شرایطی مردم در محل‌های استقرار جدید فاقد هر گونه سرمایه‌های اجتماعی بوده و احساس تعلق و نزدیکی چندانی به همدیگر ندارد.

زلزله تخریب اجتماعات محلی را در پی داشته است و با توجه به نقش این اجتماعات در بهبود شرایط، عدم توجه به چنین ملاحظاتی به تشدید بحران منجر می‌شود. اهمیت این مسئله آن‌جا مشخص می‌شود که مردم این مناطق دارای تنوع فرهنگی بوده و حتی نوعی جبهه‌گیری بین این فرهنگ‌ها وجود داشته است. در نتیجه اسکان نامناسب و فاقد هر گونه ملاحظه‌های اجتماعی و فرهنگی، روابط پیوندی بین افراد را از میان می‌برد.

«قبلاً همه همسایه‌ها همدیگر رومی شناختیم بعد از اینکه زلزله اومد خیلی توان بازسازی خونه‌هاشون رو نداشتن و مهاجرت کردن الان بیشتر همسایه‌ها رو نمی‌شناسم.. معلوم نیست کی هستن، یا از کجا آمدن» (شرکت کننده ۸).

۴) تقویت نابرابری اجتماعی در مرحله بازسازی (سوگیری اشکال سرمایه اجتماعی)

در مرحله بازسازی منازل خسارت دیده، سرمایه اجتماعی (پیوند، پل زدن و اتصال) برای دستیابی به منابع (انسانی و مادی) بسیار مهم هستند.

در فرهنگ سنتی، این مردان هستند که معمولاً با افراد خارج از خانواده ارتباط برقرار می‌کنند، نیروی کار رایگان را مبادله می‌کنند و به دنبال کسب حمایت مالی هستند. در غیاب مردان بزرگسال خانواده، زنان سرپرست خانوار اغلب نمی‌توانند برای بازسازی خانه‌های خود اقدام کنند.

«خانواده‌هایی که مرد دارند زودتر خانه‌های خود را بازسازی کرده‌اند. مثل مردها نمی‌تونیم به هر جا بریم، درآمد داشته باشیم یا به دیگران کمک کنیم» (شرکت کننده ۸).

ارتباط با سازمان‌های دولتی، امتیاز اعضای جامعه را تقویت می‌کند و منجر به توزیع ناعادلانه در برخی موارد شد.

«چندین بار به بانک مراجعه کردم. همش جواب سربالا می‌دادن. اما همسایمون تو یه اداره ای کار می‌کنه به دو هفته نرسید وامش جور شد» (شرکت کننده ۱).

«در روزهای اول، امدادرسنان نسبت به رفع مشکل اقوام خود اقدام می‌کردند. با اینکه در مناطقی بودند که حداقل آسیب را دیده بودند» (شرکت کننده ۱۵).

در شرایط اضطراری پس از زلزله، هنجارهای مردسالارانه عمیقاً در جامعه ریشه دارد حاکم است و وضعیت زیردستی زنان را به ارمغان می‌آورد. در سیستم توزیع امداد دولتی دسترسی به اقلام امدادی بر پایه سیستم ثبت نام سرپرستان خانوار (مرد) است، که به "سرپرست خانوار" اجازه دسترسی مستقیم به اقلام امداد را می‌دهد در آمار رسمی پدر یا شوهر به عنوان "سرپرست خانوار" ثبت شده و زنان نیز تابع آن بوده‌اند که وابستگی زنان به خانواده و جامعه را تقویت می‌کند. در جریان نام‌نویسی برای دریافت کمک‌ها پس از زلزله، پدر یا شوهر به عنوان سرپرست خانوار ثبت نام کرده و زنان مجرد نیز در آن جا مانده و در طول برنامه توزیع امداد دولت، بر مردان متمرکز بودند و حقوق زنان یا دسترسی آنها به امداد نادیده گرفته شد که نشان می‌دهد، زنان سرپرست خانوار آخرین کسانی هستند که از این فاجعه بهبود می‌یابند.

«زمانیکه آمدند تا اسم ما را در نوبت دریافت چادر و کانکس بنویسند اسم پدرم را به عنوان سرپرست نوشتند. درحالیکه پدرم پیر و ناتوان هست و نمی‌تواند برای دریافت کمک‌ها به اداره یا جایی دیگره برود» (شرکت کننده ۴)

«برای تحویل کانکس حتماً باید شوهرم حضور می‌داشت چون کانکس را به سرپرست خانواده (مرد) تحویل می‌دادند» (شرکت کننده ۹).

همانطور که مشاهده می‌شود، در شرایط اضطراری پس از زلزله، نابرابری‌های اجتماعی-فرهنگی از قبل موجود، فقدان دیدگاه جنسیتی در مدیریت حوادث و عدم حساسیت جنسی در عملیات امداد، ارتباط ضعیف با سازمانهای دولتی، سرمایه اجتماعی پیوند دهنده آنها را که برای بهبود طولانی مدت ضروری است، ضعیف کرد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی عملکرد اشکال سرمایه اجتماعی در بهبودی زنان سرپرست خانوار پس از زلزله سال ۱۳۹۶ کرمانشاه، به روش کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق فردی روی ۲۰ نفر از زنان و دختران سرپرست خانوار انجام گرفت. یافته های ما نشان می دهد که سه شکل مختلف سرمایه اجتماعی (پیوند، پل و پیوند) در مراحل زمانی مختلف پس از فاجعه تأثیر قابل توجهی در بهبودی پس از زلزله دارند. روزهای اول پس از وقوع زلزله، اعضای جامعه روابط پیوندی و پل ارتباطی قبلی را ایجاد کردند، که این مهم را می توان در همکاری برای نجات جان خویشاوندان، دوستان و همسایگان، از جمله تهیه مواد غذایی، ساخت سرپناه موقت، بیرون کشیدن وسایل از زیر آوار، ابراز همدردی با آسیب دیدگان از زلزله مشاهده کرد. در این مرحله اعضای جامعه به تفاوت های اجتماعی اهمیتی نداده و بر اساس شناخت فوری نیازها با همدیگر همکاری و کمک متقابل می کردند، اما هنگام رسیدن کمک های امدادی پیوند سرمایه اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار شد. افراد دارای ارتباط با مقام های دولتی و متفذین محلی سهم بیشتری از کمک ها را دریافت می کردند. در مقابل، زنان سرپرست خانوار بدلیل عدم وجود سرمایه اجتماعی لازم جهت دسترسی به منابع انسانی و مالی، شاهد توزیع ناعادلانه کالاها و خدمات امدادی بودند. این یافته ها همچنین با مطالعات (ناکاگوا 2004) (آلدریچ 2004) (هاوکیز و ماور 2010) مطابق و همسو می باشد. در نتیجه، یکی از پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی، جلوگیری از دسترسی زنان به منابع امدادی بود.

نابرابری های اجتماعی از قبل موجود در جوامع بر توانایی ها و استراتژی های فرد در استفاده از سرمایه اجتماعی پس از یک فاجعه تأثیر گذار است (کاتر و امریچ 2006) در جوامع مردسالار، مردان روابط پیوندی را ایجاد می کنند و زنان را از پیوند سرمایه اجتماعی منع می کند (پاندی و همکاران، 2021) همانطور که یافته های تحقیق نشان داد، زنان سرپرست خانوار بدلیل فقدان یا عدم موثر حضور مرد در خانواده، پیوند سرمایه اجتماعی ضعیفی را که برای دستیابی به منابع مفید بود، داشتند. این یافته با مطالعات (نگوین ترانگ و همکاران 2020) (گاناپتی 2013) (الکمال و الحسن 2018) (پاندی و همکاران 2021) که نشان می دهد زنان سرمایه اجتماعی لازم را برای مقابله با آسیب پذیری و پیامدهای ناخواسته آن ندارند، مطابقت دارد.

همانطور که یافته های این مطالعه نشان می دهد، زنان سرپرست خانوار به دلیل سرمایه اجتماعی محدود، بیشتر در معرض آسیب پذیری قرار می گیرند، تاب آوری آنها در برابر بلایا تضعیف می شود و بیشتر به حاشیه رانده می شوند اما شبکه حمایت اجتماعی غیر رسمی آسیب دیدگان می تواند کمبود

25 Aldrich

26 Hawkins & Maurer

27 Cutter & Emrich

28 Nguyen-Trung, et.al

29 Ganapati

30 Kamal & Hassan

سیستم حمایت رسمی را جبران کند و منابع لازم را برای حمایت از زنان سرپرست خانوار فراهم آورد. در نتیجه، سرمایه اجتماعی که از طریق منابع غیررسمی ایجاد می‌شود، به عنوان یک منبع و یک نیروی اجتماعی غیررسمی، از اهمیت بسزایی در بهبودی فاجعه برخوردار است که ضرورت دارد سیاستگذاران در طول دوره بازیابی و بازسازی، یکپارچگی و پایداری شبکه را در نظر بگیرند و بازماندگان را به جای جمع آوری مجدد در محله‌های مختلف دوباره در محل اصلی خود سازماندهی کردند.

از محدودیت‌های این مطالعه ممکن است داده‌های جمع آوری شده نمایانگر تصویر کاملی از تجربه زنان سرپرست خانوار نباشد. علاوه بر این، گذشت سه سال زمان بین زمین لرزه و جمع آوری داده‌ها در سال ۱۳۹۹ می‌تواند منجر به تغییر درک یا خاطره افراد شود، بنابراین ممکن است باعث سوگیری شود. چنین تحقیقاتی مستلزم یک دوره مطالعه فوری و طولانی‌تر برای ثبت تجربیات افراد ساکن در مناطق مستعد فاجعه و چگونگی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در میان آنهاست.

از دیگر محدودیت‌ها این است که وقتی گروه‌های محروم از سرمایه شبکه اجتماعی برای دریافت کمک استفاده می‌کنند با مشکلات بیشتری روبرو می‌شوند در نتیجه سیاستگذاران باید اطمینان حاصل کنند که گروه‌های محروم اجتماعی از جمله زنان سرپرست خانوار به حمایت‌های امدادی و همچنین پشتیبانی طولانی‌مدت برای بازسازی پس از یک فاجعه بزرگ دسترسی داشته باشند. علاوه بر آن اطمینان حاصل شود که نخبگان اجتماعی از این سازمان‌ها برای گرفتن منابع استفاده نمی‌کنند، زیرا موجب تشدید نابرابری‌های رایج می‌شود. برای بهبود واکنش اضطراری و ایجاد انعطاف‌پذیری درازمدت در برابر بلایا، برنامه‌ریزان باید نقش اشکال مختلف سرمایه اجتماعی را در هر مرحله از فاجعه و نحوه شکل‌گیری آن را با نابرابری‌های فرهنگی، اجتماعی، جنسیتی و... از قبل در نظر بگیرند.

منابع

- Aldrich, D.P. (2012). Social, Not Physical, Infrastructure: The Critical Role of Civil Society after the 1923 Tokyo Earthquake. *Disasters*, 36, 398–419.
- The power of people: social capital's role in recovery from the 1995 Kobe earthquake. *Nat Hazards* 56, 595–611. <https://doi.org/10.1007/s11069-010-9577-7>
- Aldrich, D.P. (2011). The Externalities of Strong Social Social: Recovery after - Tsunami in Southern India *Journal of Civil Civil*, 7: 1, 81-99.
- All Kamal. Masud, Monirul Hassan. S.M. (2018). The link between social capital and disaster recovery: evidence from coastal communities in Bangladesh. *Nat Hazards* 93, 1547–1564
- Bhakta Bhandari, R. (2014). "Social capital in disaster risk management; a case study of social capital mobilization following the 1934 Kathmandu Valley earthquake in Nepal", *Disaster Prevention and Management*, Vol. 23 No. 4, pp. 314-328.
- Chamlee-Wright, E, Storr. V.H. (2011). Social capital as collective narratives and postdisaster community recovery, *Sociol. Rev.* 59 266–282
- Cutter, Susan L. and Christopher T. Emrich, 2006. "Moral Hazard, Social Catastrophe: The Changing Face of Vulnerability along the Hurricane Coasts," *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 604: 102-112.



- Era, M D L. (2021). Mobilization of social capital during post Haiyan in the two municipalities of Leyte Province, Philippines. Published under licence by IOP Publishing Ltd IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, Volume 708, 2nd International Conference on Disaster and Management 30 September - 1 October 2020, Indonesia Citation M D L Era 2021 *IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci.* **708** 012099.
- Ganapati, N. E. (۲۰۱۳). Downsides of Social Capital for Women during Disaster Recovery: Toward a More Critical Approach. *Administration & Society*, ۴۵(۱), ۷۲-۹۶.
- Gill, T. (2014). *Building Resilience: Social Capital in Post-Disaster Recovery*; University of Chicago Press: Chicago, IL, USA.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches: Jossey-Bass.
- Guest, G., MacQueen, K., & Namey, E. (2012). Themes and codes. *Applied thematic analysis*, 49-78.
- Neumayer, Eric, and Thomas Plümper. (2007). the Gendered Nature of Natural Disasters: The Impact of Catastrophic Events on the Gender Gap in Life Expectancy, 1981–2002. *Annals of the Association of American Geographers* 97(3): 551–66.
- Nguyen-Trung. Kien, Helen Forbes-Mewett, Dharmalingam Arunachalam Social support from bonding and bridging relationships in disaster recovery: Findings from a slow-onset disaster, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, Volume ۱۰, ۱۵۰۱, ۲۰۲۰, ۴۶ ISSN , ۲۲۱۲-۴۲۰۹ .
- Miller, J.L. (2012). *Psychosocial Capacity Building in Response to Disasters*; Columbia University Press: New York, NY, USA; ISBN 978-0-231-14821-4.
- Nakagawa, Y.; Shaw, R. Social Capital: A Missing Link to Disaster Recovery. *Int. J. Mass Emerg. Disasters* 2004, 22, 5–34.
- Morrow, Betty Hearn, Enarson. Elaine. (1996). Hurricane Andrew through Women's Eyes: Issues and Recommendations. *International Journal of Mass Emergencies and Disasters* 14(1): 1–22.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon & Schuster, New York, and NY.
- Hawkins. Robert L, Maurer. Katherine. (2010). Bonding, Bridging and Linking: How Social Capital Operated in New Orleans following Hurricane Katrina, *The British Journal of Social Work*, Volume 40, Issue 6, September 2010, Pages 1777–1793.
- Virgone, K. and Cairns, L. (2010). Social Capital: A Definition and its importance in disaster management, [http://porto.polito. It/view/ full/ none/ 2007.authors\\_string.html](http://porto.polito.it/view/full/none/2007.authors_string.html).
- Retrieved from: [<https://www.irna.ir/news/۸۲۷۵۸۲۳۷>].